

تبیین ارزش‌های زیست محیطی

«در پرتو مطالعه مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی شهری ناظر به قواعد فقه شهری»^۱

علمی - پژوهشی

علی محمدیان**

مهدی محمدزاده**

راحله فدوی*

چکیده

منظر شهری و زیباسازی آن یکی از عوامل مهم در ایجاد تصویر ذهنی مثبت و ارتقای تجربه زیباشناختی شهروندان هر جامعه محسوب می‌شود. درهم آمیختن فنون طراحی منظر با ارزش‌های زیست محیطی و اکولوژیک، از جدیدترین تدابیر و راهکارهای نیل به توسعه پایدار در عصر حاضر است. جستار حاضر با هدف شناسایی میزان دغدغه و توجه تعالیم اسلامی در رویارویی با مفاهیم یادشده، با الگوبابی از مؤلفه‌ها و رویکردهای مطرح در زیبایی‌شناسی شهری به تشریح قواعد فقه شهری پرداخته و گستره کارایی آن را مورد ارزیابی و تبیین زیبایی‌شناسانه قرار داده است. روش پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی بوده و با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای سامان یافته و با توجه به ماهیت میان رشته‌ای موضوع به تطبیق و ترکیب نظریات مطرح در دو حوزه زیبایی‌شناسی و فقه شهری پرداخته است. لازم به ذکر است که مقصود از فقه شهری، سلسله آموزه‌های شرعی و قواعد فقهی ناظر به آداب و بایسته‌های شهرنشینی می‌باشد که حسب تنبج جستار حاضر از دل میراث مکتوب فقهی قابل شناسایی، استخراج و تطبیق با موضوع مزبور است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که با بهره‌گیری از قواعد موجود در میراث مکتوب فقهی از قبیل قاعده سلطنت، اتلاف، تسبیب و لاضرر، و در آمیختن آن‌ها با روش‌ها و رهیافت‌های زیبایی‌شناسانه، می‌توان به کارآمدی و اثرگذاری بیشتر این موازین در مدیریت مکان و منظر شهری ناائل آمد. همچنین یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که دغدغه توجه به محیط زیست و رویارویی انسان با فضای شهری از جمله مباحثی است که مورد توجه فقها قرار گرفته است. در این راستا بحث حفظ حریم و امنیت اخلاقی و روانی شهروندان از جمله امتیازات فقه شهری است که باید مورد عنایت بوده و در مدیریت شهری مبنای عمل قرار گیرد.

کلید واژه‌ها: زیبایی‌شناسی، زیبایی‌شناسی زیست محیطی، زیبایی‌شناسی شهری، طراحی شهری، قواعد فقه شهری

۱- تاریخ وصول: ۱۳۹۹/۰۶/۳۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۲۴

* دانشجوی دکترای هنرهای اسلامی، دانشکده هنرهای صنعتی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

r.fadavi@tabriziau.ac.ir

** استاد، گروه هنرهای اسلامی، دانشکده هنرهای صنعتی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران. (نویسنده

مسئول) m.mohammadzadeh@tabriziau.ac.ir

*** استادیار، گروه فقه و حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بزرگمهر قاننات، قاننات، ایران.

mohammadian@buqaen.ac.ir

۱- مقدمه

پدیده شهرنشینی، مفهومی تاریخی و کهن است که از وجوه مختلف علمی، هنری و اجتماعی قابل بحث و بررسی است. اما شهری شدن^۱ در سده‌های بیستم و بیست و یکم اتفاقی جهانی بود که حتی کشورهای در حال توسعه را هم به نحو فزاینده‌ای در بر گرفته و می‌گیرد. بدیهی است که فرآیند جهانی شدن^۲ نیز تاثیر شایانی بر موقعیت شهرهای جهان دارد. توسعه شهرهای مدرن نه فقط بر عادت‌ها و شیوه‌های رفتار، بلکه بر الگوهای اندیشه و احساس نیز تاثیر شگرفی برجا گذاشته است. رشد جمعیت و بحران‌های زیست محیطی از جمله موضوعاتی است که ذهن بسیاری از اندیشوران و نظریه پردازان علوم و دانش‌های مختلف را به خود مشغول داشته است. در این میان، "زیبایی‌شناسی زیست محیطی"^۳ یکی از حوزه‌های معرفتی و میان رشته‌ای است که با بهره‌گیری از دانش‌های مختلف سعی در ارایه راهکار در جهت رفع مخاطرات زیستی نموده است.

با وجود رهیافت‌های متعدد و مباحث پیچیده زیبایی‌شناسی زیست محیطی، فعالان این رشته، در مطرح کردن "موضوع" زیبایی‌شناسی محیطی و آموزش و فرهنگ سازی آن تا حد بسیار زیادی موفق عمل کرده‌اند. به طوری که حتی مباحث تتولوژیک و دین‌شناسی را نیز تحت الشعاع قرار داده و دین‌پژوهان مدرن را به پذیرش و بیان عواملی واداشته که در پیشرفت و تربیت هویت بشری مهم و موثراند. عواملی چون زیبایی‌شناسی، اخلاق و مفاهیم ناملموس محیطی و معنوی که در آن "درک زیبایی‌شناختی منظر" جایگاه مشخصی دارد. نظریه پردازان زیبایی‌شناسی نیز از این موضوع استقبال کرده و چشم انتظار گسترش "معنویت اکولوژیکی‌ای"^۴ هستند که زمین در پناه آن می‌تواند به عنوان محیطی برای زندگی شایسته آماده شود و زیبایی‌شناسی در این میان به عنوان یک عنصر اصلی در طرز رفتار نسبت به زمین مطرح گردد. امروزه دین‌شناسی محیطی^۴ در مباحث خود به بازنمایی و احیاء مبادی طبیعت انگارانه در فرهنگ‌های دینی پرداخته و سعی در القای معنابخشی به زندگی و باورهای انسان عصر مدرن دارد.

۱. Urbanization

۲. Globalization

۳. Environmental Aesthetics

۴. Environmental Reigion

برای مثال مارتین بابر^۱ به تفاوت بین نگرش " من - آن " به طبیعت ، که بهره‌کش و بی رحم است، و نگرش " من - تو " که شامل احساس حمایتی انسان به زمین است اشاره می‌کند، و یا جی. کی^۲ که معتقد است حمایت و احترام به طبیعت در فرهنگ یهودی - مسیحی چه آشکار و چه تلویحی بروز و نمود دارد (پورتوس، ۱۳۸۹، ۲۷۸). احیاء " ارزش‌های زیباشناختی محیط " اعم از طبیعی و انسان - ساخت و " درک و تحسین منظر " دو نمونه از پارادایم‌های مسلط در زیبایی‌شناسی زیست محیطی محسوب می‌شوند. بنابراین معماری، شهرسازی، طراحی و برنامه‌ریزی منظر از جمله دانش‌هایی است که کانون توجه این رویکرد قرار می‌گیرد.

با عنایت به این که در رویارویی با هر موضوعی از زندگی فردی و اجتماعی انسان و مسایل و مشکلات مربوط به آن باید مقتضیات مکانی و زمانی مخصوص به آن برهه را در نظر گرفت و پاسخ درخور با همان مقتضیات را ارائه داد، مساله اصلی پژوهش حاضر، دایر بر این امر است که فرهنگ و تعالیم اسلامی در این میان چه جایگاهی دارد؟ به عبارت دیگر، آیا میان آموزه‌های دین اسلام با مفاهیم و دغدغه‌های یاد شده فصل مشترکی وجود دارد که بتوان به گفتگو نشست و با بهره‌گیری از آن در اجرای سیاست‌های زیست محیطی و مدیریت زیبایی و منظر شهر به کار بست؟

پاسخ به این پرسش مستلزم کنکاش در فرهنگ و جهان بینی اسلامی و بازشناسی علوم و اصول فکری مربوط به آن است. با نظر به طبقه‌بندی موازین و علوم اسلامی و ماهیت بحث مطرح شده در این جستار، بایسته است که میانی موضوع مورد بحث از علم فقه به دلیل جامعیت موضوعی و ماهیت آن در رویارویی با مسائل مستحدثه و نوظهور استخراج شود.

در باب روش پژوهش باید گفت تحقیق حاضر مانند اکثر پژوهش‌های صورت گرفته در حیطه علوم انسانی از نوع توصیفی-تحلیلی و با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای و میراث مکتوب فقهی سامان یافته است که همراه با شناسایی منابع و مأخذ لازم، مطالعه و بررسی آنها، تطبیق و فیش‌برداری، طبقه بندی و مرتب شده و به نگارش در می‌آید. تحقیق توصیفی-تحلیلی شامل مجموعه روش‌هایی است که هدف آنها

۱. Martin Baber

۲. I-It attitude

۳. I - Thou

۴. J.Kay

توصیف و تحلیل شرایط یا پدیده‌های مورد بررسی است. شایان ذکر است که اجرای تحقیق توصیفی-تحلیلی می‌تواند منجر به شناخت دقیق مسئله پژوهش و یاری رساندن به فرآیند تصمیم‌گیری باشد. همچنین از آنجا که در تحقیقات مربوط به علوم انسانی، پردازش اطلاعات جمع‌آوری شده، از مهم‌ترین و اساسی‌ترین بخش‌های پژوهش به شمار می‌آید؛ پژوهش فرارو سعی کرده است ضمن مطالعه دقیق منابع، مواضع بحث را به دقت مشخص و شناسایی کرده و با توجه به ماهیت میان‌رشته‌ای موضوع به تطبیق و ترکیب نظریات مطرح در دو حوزه زیبایی‌شناسی و فقه شهری بپردازد.

در باب پیشینه پژوهش حاضر نیز باید گفت تا آنجا که نگارندگان در پایگاه‌های علمی معتبر جستجو نموده‌اند، کتاب یا مقاله‌ای که همپوشانی با موضوع جستار فرارو داشته باشد، مشاهده نمی‌شود. البته در باب مقوله زیبایی‌شناسی شهری برخی از مقالات در دسترس است. از آن جمله می‌توان به مقاله «رویکردهای نوین در پژوهش‌های زیبایی‌شناسی منظر» تألیف امین حبیبی مندرج در نشریه باغ نظر (۱۳۹۶) و رویکردها و روش‌ها در زیبایی‌شناسی شهری نوشته مهرداد کریمی مشاور، باغ نظر (۱۳۹۲) اشاره داشت. در این زمینه باید گفت همانگونه که مشخص است وجه تمایز و نوآوری و مشخصه ممتاز نوشتار پیش‌رو، توجه به موضوع ارزش‌های زیست محیطی و جایگاه آن در بستر شهر در پرتو شناسایی و استخراج قواعد فقهی مربوط و تحلیل و تبیین محتوای آنها است که تاکنون هیچ تحقیق و پژوهشی به بررسی و تطبیق مباحث این دو حوزه در ارتباط با یکدیگر نپرداخته است.

۲- زیبایی‌شناسی و منظر شهری

به باور پل گابستر و هم‌فکرانش، انسانها برای برخورداری از محیط و منظر سالم و هم‌راستا با اکوسیستم سودمند، نیازمند بهره‌مندی از ادراک زیبایی‌شناختی می‌باشند. بنابراین باید میان زیبایی‌شناسی و اکولوژی نسبت و گفتمان برقرار ساخت تا نتیجه این امر، حصول زیبایی‌شناسی اکولوژیک و سپس تاثیرگذاری صحیح بر برنامه‌ریزی، طراحی و مدیریت منظر (بکر و شهری) گردد.

آنچه که مطابق نظر گابستر از اهمیت شایانی برخوردار است، وجود زمینه‌ها و بستر شکل‌گیری منظر است که موجب تاثیر بر تجربه زیبایی‌شناختی افراد می‌گردد. این زمینه‌ها منبعث از نوع منظر (بکر، کشاورزی، فرهنگی و شهری) و مؤلفه‌ها و دغدغه‌های فردی و اجتماعی دخیل در آن می‌باشند. بنظر می‌رسد عوامل متعدد فردی و اجتماعی می‌توانند منجر به خلق موقعیتی اثرگذار بر ناظر و مخاطب شده و تجربه ادراکی وی را نسبت به منظر ارتقاء داده که این نیز به نوبه خود منجر به عملکرد اکولوژیک

سودمند و حتی لذت بردن از منظر می‌گردد. در این میان الگوهای منظر بیشترین تاثیر را در تماس انسان با محیط اطراف و منظر ایفا می‌کنند. گابستر در این زمینه معتقد است: «الگوهای منظر، نمونه‌های قابل مشاهده‌ای از پدیده‌های مرتبط، وابسته و زیست‌محیطی هستند که به موجب آن ترکیب‌های فضایی و شکل زمین، آب و مصنوعات انسانی به طور واحد و ترکیبی برخی اطلاعات اکولوژیک را در یک مقیاس فراهم آورده و به سادگی قابل مشاهده می‌کند.» (گابستر و دیگران، ۲۰۰۷)

همچنین عامل دیگری که در هم‌سو کردن اهداف اکولوژیک و تجربه زیبایی‌شناسی نقش بسزایی ایفا می‌کند آموزش و ارتقای دانش عمومی افراد است. نکته مهم دیگر در باور گابستر ضابطه مندی الگوهای منظر و ضرورت توجه به مفاهیم اخلاقی زیست محیطی می‌باشد. باید توجه داشت که مواجهه انسان با شهر در بستر محیط و منظر شهری اتفاق می‌افتد که موجب تاثیر دوسویه و شکل‌گیری تجارب زیستی و بصری گوناگون می‌گردد.

برخی از محققان در این باره معتقدند که در تعامل میان انسان و شهر، محیط و منظر بصری واسطه‌ای است که از یک سو با نمایش گذاشتن اجزاء و عناصر گوناگون آن، ارزش‌های جامعه را در لایه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اعتقادی و حتی اقتصادی به رخ می‌کشد و از سوی دیگر موجب پیدایش و برانگیختن ذائقه و تجربیات زیبایی‌شناسی افراد می‌شود. تجربه انسان از محیط، قلمرو ادراکی وی فرض می‌شود که به باور نظریه پردازان شهری دارای مراتب و مراحل متفاوتی است. (از جمله: لیچ، اپلیارد، لنگ، نسر، کانتر و جان پانتر؛ گلکار، ۱۳۸۷ و پورتئوس، ۱۳۸۹).

در باب اهمیت منظر ضروری است که به دو مبحث اساسی و کلی اشاره کرد. نخست رویکردهای مرتبط با زیبایی‌شناسی شهری و دوم رویکردهای معطوف به طراحی شهری و منظر شهری. درک محیط شهر، فرآیندی ذهنی است که در آن انسان، پیامهای حسی محیط را دریافت کرده و تصویری از محیط در ذهن خود به وجود می‌آورد. فرایند تعامل انسان با فضای شهر و شکل‌گیری منظر شهری را می‌توان در چهار مرحله ترسیم کرد که از ادراک حسی آغاز و به رفتار ختم می‌شود. به بیان دقیق‌تر، منظر شهری مفهومی کلی و پویاست که از انباشت لایه‌های مختلفی به منصف ظهور میرسد. در مرحله اول، شهر با ویژگیهای عینی و ملموس خود مانند عناصر بصری، صوتی و... در معرض حواس پنجگانه قرار می‌گیرد که نتیجه آن "ادراک" محیط است. در این مرحله "منظر عینی شهر" نمایان می‌شود. پس از شکل‌گیری

ادراک، ذهن براساس داده‌های محیطی و و تجربیات تصویری به مرحله "شناخت" از محیط می‌رسد و "منظر ذهنی شهر"^۱ پدیدار می‌شود. در مرحله سوم، ذهن فرد براساس شناخت از محیط به ارزیابی و واکنش مثبت و منفی دست می‌یابد که در نتیجه این تعامل "منظر ذهنی- ارزیابانه شهر"^۲ نمایان می‌شود. نهایتاً در مرحله چهارم از تعامل میان محیط شهری و انسان، فرد بر مبنای محتویات منظر ذهنی - ارزیابانه خود به رفتار معینی دست می‌زند. (گلکار، ۱۳۷۸).

در ادبیات موضوعی این رشته رویکردهای متفاوتی مطرح است که می‌توان آن را از دریچه دوگانگی عین و ذهن مورد بررسی قرار داد. از جمله پارادایم زیبایی کالبدی و روانشناسانه^۳ بر مبنای نظر ای. لوتیان و رهیافت زیبایی‌شناسی کارشناس محور و مردم محور^۴ بر اساس آراء ای.ام. آرتور. می‌توان گفت که زیبایی‌شناسی روان‌شناسانه و مردم محور از یک سو و رویکردهای کارشناس محور و کالبدی از سوی دیگر دارای وجوه اشتراک می‌باشند که می‌توان ذیل دو رهیافت کلی زیبایی‌شناسی ذهنی و زیبایی‌شناسی عینی در نظر گرفت. در هر دو رویکرد پاور کلی بر این است که کیفیت بصری از تعامل ویژگی‌های فیزیکی و فرآیند قضاوتی - ادراکی مشاهده‌گر از سانی از شهر حاصل می‌شود (کریمی مشاوری، ۱۳۹۲). با این حال اگر در مواجهه با کیفیت زیبایی منظر، اولویت بر ویژگی‌های فیزیکی و عینی منظر باشد (کالبدی) و کارشناس تصمیمات خود را بر مبنای ارزیابی‌های خود از محیط برای مثال تبدیل ویژگی‌های فیزیکی مناظر شهری به پارامترهای انتزاعی و رسمی طراحی همچون فرم، خط، تنوع، وحدت و یکپارچگی، اتخاذ کند، به سمت فلسفه عینی زیبایی‌شناسی متمایل خواهد بود که می‌توان در حوزه مدیریت و ارزش‌های منظر شهری با بهره‌گیری از روش‌های مخصوص خود بهره گرفت. اما چنانچه زیبایی، کیفیتی در نظر گرفته شود که از دیدگان ناظر و بیننده سرچشمه می‌گیرد و ارزیابی زیبایی منظر با معیارهای روان‌شناسانه و ادراکات انسانی و ترجیحات مردم و مخاطب از منظر صورت گیرد، رهیافت زیبایی‌شناسی ذهنی به میان می‌آید که می‌توان از آن در پژوهش‌ها و تحقیقات و طراحی شهری بهره جست.

^۱. City Image

^۲. City Evaluative Image

^۳. Physical Aesthetic/ Psychological Aesthetic

^۴. Expert Aesthetics /Public Preferences

۳- رویکردهای معطوف به طراحی شهری و طراحی منظر شهری

محیط بصری و منظر شهری در برقراری پیوند دوسویه و فعال میان انسان و شهر همواره متأثر از تحولات نظری در باب طراحی شهری بوده است. طراحی شهری به مثابه یک رشته دانشگاهی تا کنون دارای مراحل و ویژگی‌های مختلفی بوده که بر مبنای نظریه بلوغ طراحی شهری^۱ پنج مرحله برای آن متصور است. این نظریه با استفاده از یک قیاس زیست شناختی مراحل تحول طراحی شهری را به مراحل رشد موجودات زنده تشبیه کرده و پنج پارادایم یا الگو را در هر دوره مطمح نظر قرار می‌دهد:

الگوی "پیش طراحی شهری". ۲- الگوی "طراحی شهری آرایشی". ۳- الگوی "طراحی شهری عملکرد گرا". ۴- الگوی "طراحی شهری ادراکی". ۵- الگوی "طراحی شهری پایدار": این الگو به مثابه دوران بلوغ طراحی شهری، در دهه ۱۹۸۰ میلادی به وجود آمد اما در دهه ۱۹۹۰ به اوج خود رسید و در قرن حاضر نیز به عنوان پارادایم غالب طراحی شهری از مقبولیت علمی و حرفه‌ای برخوردار است. مهمترین مشخصه‌های این دوره توجه به مفهوم "توسعه پایدار" و "آثار اکولوژیکی مداخلات طراحی شهری" است. "کیفیت طراحی شهری" نیز در این دوره از چهار مؤلفه "زیبایی شناسی عینی"، "زیبایی شناسی ذهنی-ادراکی"، "زیبایی شناسی عملکردی" و "زیبایی شناسی زیست محیطی" تشکیل می‌شود. به موازات الگوهای یاد شده که نظر به "طراحی شهری" داشت، روند تکامل مفهوم "منظر شهری" نیز در چهار رویکرد متناظر قابل ذکر است: ۱. الگوی "منظر شهری آرایشی / تزئینی" ۲. الگوی "منظر شهری عملکردگرا / برنامه محور" ۳. الگوی "منظر شهری ادراکی / زمینه گرا" و ۴. الگوی "منظر شهری پایدار". آنچه در این مجال قابل توجه است ویژگی‌های الگوی چهارم یعنی "منظر شهری پایدار" است که بنیان‌های نظری آن مبتنی است بر مفهوم "توسعه پایدار"، "زیباشناسی اکولوژیک" یا "سبز" که عبارت است از "زمینه‌گرایی اکولوژیک"، احترام به "طرفیت محیطی" و همچنین الگوبرداری از طبیعت و کاربرد فرم‌های بیومیمتیک در معماری.

^۱ مولف نظریه "بلوغ طراحی شهری" کورش گلکار است که در آثار و مقالات متعدد خود به تبیین سیر تکامل طراحی شهری و تدوین آن در قالب مدل مفهومی تولد تا بلوغ بر اساس قیاس زیست شناختی و پارادایم‌های غالب در هر مرحله اشاره می‌کند.

۴- مؤلفه‌های فقهی در مدیریت منظر شهری

چنانچه بخواهیم "نظریه هنر" در رشته‌ای خاص همچون معماری و شهرسازی یا مختصات "زیبایی شناسی بصری" را در منابع و متون دینی مطالعه کنیم به مرجع واحد و حوزه مستقلی بر نمی‌خوریم که از وجوه کیفی و مبانی نظری این هنرها سخن گفته باشد، بلکه نتیجه جستجو، ما را به حوزه‌های مختلف و کتب متعددی سوق می‌دهد که هر یک از منظری خاص به تعریف هنر و یا بیان دیدگاه‌های زیبایی-شناسانه پرداخته‌اند؛ حوزه‌هایی همچون ادبیات، فلسفه، فقه، هندسه و نجوم (ر.ک: نجیب اوغلو، ۱۳۸۹ و رناتا هلد، ۱۳۷۸). از باب نمونه رناتا هلد^۱، در جستجوی تعریف دقیق از معماری دوره اسلامی معتقد به مطالعه "مبانی اندیشمندانه معماری" در حوزه‌های مختلفی است که زمینه ساز درک جامع از این هنر می‌شوند. ادبیات، فلسفه، جغرافی و فقه از آن جمله است:

"دغدغه محیط مصنوع، اگر نگوییم معماری، همواره وجود داشته است... آگاهی از محیط مصنوع و فرآیند ساخت چندان فراگیر بوده است که به عالم ادب نیز راه یافته. در این جا نیز، همچون متون فلسفی، این مثال‌ها نشان از آگاهی ارباب فضیلت آن عصر از وجوه کاربردی و زیبا شناختی معماری دارد و شاهد این نکته است که این آگاهی فراتر از شناخت محفل کوچک بنایان بوده و در زمره مباحث فضایی آن عصر به شمار می‌رفته است. این که چگونه درک زیبا شناختی از عناصر کاربردی نیز خود بر معماری تأثیر می‌گذاشت هنوز به حد کفایت بررسی نشده است، اما یک نکته قطعی است و آن این که تشریح درک فضاهای بدیع و طراحی شده در صدر تمدن اسلامی مشهود و ثابت شده است... زمینه سوم بررسی، دامنه گسترده نوشته‌های فقهی اسلام است. برخی در مطالعات اخیر خود کوشیده‌اند تا اصول کلی طراحی را از دل کتب حسبت و فقه استخراج کنند و در طراحی معاصر به کار برند. مهم‌ترین نوشته‌ها از این دست کتب ایست که درباره ساختمان‌ها نوشته‌اند و کتاب البنیان نام گرفته است.^۲ همچنان که فقه‌های صدر اسلام تعریف بافت شهری و ساختمان را از سنت پیامبر و

^۱. Renata Holod

^۲. از جمله کتب موسوم به "البنیان"، کتاب "الاعلان بأحكام البنیان" تألیف ابو عبدالله محمد بن ابراهیم اللّخمی معروف به ابن الرّامی البنّاء می‌باشد که مطالعه و ترجمه بخش‌هایی از آن توسط نگارنده، انگیزه نگارش این مقاله گردید.

صحابه و همچنین عرف زمان خود استنباط کردند، ساختمان های عمومی و زیستگاه های نخستین اسلام نیز بین این دو قطب توسعه پیدا کرد." (هلد، ۱۳۸۹)

۴-۱- گستره دانش فقه و موضوعات مطرح در آن

تقریباً همه شئون مختلف زندگی بشر در گستره جامع علم فقه مطرح بوده و بلکه فقه خود را محل مراجعه و پاسخگو به انواع مسائل مطرح در شئون یاد شده در امروز و آینده بشر می داند: «فقه به لحاظ مواد و منابع، غنی ترین فقه و قانون در دنیا است و چنین فقهی در دنیا وجود ندارد» (جناتی، ۱۳۷۴، ۴۷۹). در نگرشی دقیق و وسیع به منابع گوناگون و ادبیات موجود در این علم می توان گفت امروزه با توجه به نیاز عملی دایره مراجعه به فقه بسیار گسترده شده است؛ مثلاً در مسأله مالکیت و محدوده آن، مسائل پیچیده پول و ارز و بانکداری، مالیات، تجارت داخلی و خارجی، حدود و دیات قوانین مدنی، مسائل فرهنگی و برخورد با هنر به معنای اعم چون عکاسی، نقاشی، مجسمه سازی، موسیقی، تئاتر، سینما، خوشنویسی و غیره (منتظری، ۱۴۰۹، ۲؛ اشکوری، ۱۳۸۴، ۳۸).

در توجیه این امر گفته شده است که لازمه فطری بودن و خاتمیت دین استیعاب و فراگیر بودن فقه اسلامی نسبت به همه اعصار و امصار و در نتیجه توان پاسخگویی آن نسبت به همه نیازهای انسانی در طول زمان است و این مطلبی است که تعدادی از آیات قرآن هم به آن پرداخته است. از آیات، علاوه بر آیات دال بر فطری بودن و خاتمیت دین و آیه همگانی بودن رسالت پیامبر مکرم صلی الله علیه و آله: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ» (سبا/۲۸) و آیه اکمال «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ...» (مائده/۳) علاوه بر همه اینها- در آیه «نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» (نحل/۸۹) نیز به آن تصریح شده است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ۷۷؛ مومنی، ۱۳۹۶، ۱۴۴).

یکی دیگر از اندیشوران معاصر معتقد است: «استعداد ذاتی خود فقه است که ناشی از اتکاء آن به منابع دائم الجریان «کتاب و سنت و اجماع و عقل، و قواعد کلیه متخذه از آنها با باز شدن راه اجتهاد برای همیشه است این منابع بدان جهت که انسان شناخته شده و تفسیر شده را موضوع تکلیف قرار می دهد همواره دور از فرسودگی بوده ابدیت خود را تضمین می کند به همین جهت بوده است که از صدر اول اسلام تا کنون هیچ مسأله ای در باره شئون مادی و معنوی بشری مطرح نشده است مگر این که فقه عالم تشیع توانائی پاسخ گویی آن را داشته و آن مسأله را بلا تکلیف نگذاشته است.» (تبریزی جعفری، ۱۴۱۸، ۱).

۴-۲- فقه عمران

فقه عمران یکی از شاخه‌های نوپدید فقه است که زیر مجموعه‌هایی چون فقه البیئه (محیط زیست) و فقه البنیان یا فقه شهرسازی را شامل می‌شود. در بعضی از منابع نیز به مجموع این دو شاخه تحت عنوان کلی فقه شهری نگریسته می‌شود. (اراک، ۱۳۹۷).

مباحث فقه شهری را به لحاظ موضوعی می‌توان در سه دسته ۱: فضای سبز و درختکاری شهری، ۲: مسکن و ساخت و ساز و ۳: راه‌ها و دیات طبقه‌بندی نمود. احکام فقهی‌ای که بر هر یک از این موضوعات مترتب است بدین قرار است:

۱. احکام فقهی مربوط به احداث فضای سبز:

الف: مطلوبیت شرعی گسترش فضای سبز به نحو کلی (آیه ۱۵ سوره نساء، آیات ابتدایی سوره الرحمن و آیاتی در سوره واقعه)

ب: مطلوبیت کاشت درخت (روایات خاصه پیرامون غرس الشجر و تأکید بر استحباب آن)

ج: حرمت قطع درخت مثمر و کراهت قطع درخت سایه دار بی‌ثمر (مستدرک الوسائل؛ ابواب المزارعه)

۲. احکام فقهی مربوط به مسکن و ساخت و ساز:

الف: استحباب وسعت محل سکونت و کراهت ضیق.

ب: عدم مطلوبیت شرعی و منع انبوه‌سازی غیرضروری ساختمان (وسائل الشیعه، کتاب صلاه، باب احکام المساکن).

ج: رفع بلندمرتبه‌سازی به جهت حرمت اطلاع (اشراف) بر خانه‌ها و جلوگیری از سلب امنیت اخلاقی (وسائل الشیعه، احکام المساکن).

۳- احکام فقهی مربوط به راه‌ها و دیات:

الف: مطلوبیت جداسازی راه سواره از پیاده (حق الطريق) و مطالبه دیه در صورت اصابت ضرر

ب: حق الاستطراق و حق داشتن راه مخصوص برای رسیدن به ملک و زمین و خانه شخصی خود

۵- قواعد فقهی ناظر به فقه شهری

۱-۵- قاعده سلطنت بر اموال

قاعده تسلط که به قاعده تسلیط یا قاعده سلطنت نیز مشهور است (بجنوردی، ۱۴۱۹، ۶، ۳۸۱)، و در کلمات و عبارات بسیاری از فقیهان نیز مورد استناد قرار گرفته و جزو قواعد فقهی پرکاربرد محسوب

می‌شود (ر.ک: طوسی، ۱۴۰۷، ۳، ۱۷۶؛ اردبیلی، ۱۴۰۳، ۸، ۳۳۰؛ سبزواری، ۱۴۲۳، ۱، ۵۳۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۸، ۳، ۱۷) براساس روایتی نبوی شکل گرفته و سامان یافته است: «الْأَسُّ مُسْلَطُونَ عَلَى أَمْوَالِهِمْ» (احسائی، ۱۴۰۵، ۱، ۲۲۲). مردم بر اموال خویش مسلط هستند. باید گفت اگرچه در سندیت و اصالت این روایت تشکیکاتی صورت گرفته است؛ اما اولاً ضعف سندی آن به عمل اصحاب امامیه جبران شده است؛ و ثانیاً با قطع نظر از روایت مذکور، روایات دیگری از ائمه (ع) وارد گردیده که هر چند واجد متن فوق نیست، ولی مضمون آن‌ها در راستای مدلول همان روایت است (مصطفوی، ۱۴۲۱، ۱۳۷).

قاعده مزبور ارکان مالکیت را تثبیت می‌نماید و به جهت اینکه اموال در زندگی آدمیان جایگاه برجسته‌ای دارد، قاعده سلطنت نیز از اهمیت خاصی در بین سایر قواعد فقهی برخوردار است. ارزش اموال و مالکیت در ادیان الهی و حتی مکاتب غیردینی یک اصل مسلم قلمداد شده و برای ایجاد نظم در روابط اجتماعی گریزی از آن نمی‌باشد. ارزش بی‌بدیل و ممتاز قاعده سلطنت که عامل استقرار مالکیت می‌باشد، موجب شده تا مکتب‌های متأخر حقوقی به نحو چشمگیری از آن متأثر باشند؛ به نحوی که بخش عمده قوانین که در راستای تنظیم امور اقتصادی مدون و جمع‌آوری می‌گردند، به واقع، بن‌مایه اصلی خود را از قاعده سلطنت و متفرعات گوناگون آن اخذ می‌کنند (محقق داماد، ۱۴۰۶، ۲، ۱۱۲).

مطابق با همین قاعده پیروی ژرفا و گودی و فضا و بلندی از ملک صاحب آن (اعم از شخصیت حقیقی یا حقوقی)، تابعی از اعتبار عرفی آن بوده و افراد براساس توافقات عرفی و بین‌الادنهانی مطابق با خصوصیات هر موردی، اندازه و ثغوری را تعیین کرده و محیط ورای آن محدوده را از مالکیت مالک خارج می‌نمایند. این توافق عرفی در همه اعصار و امصار وجود داشته و با منع و ردعی نیز از جانب شریعت و قوانین آن مواجه نشده است؛ لذا می‌توان گفت شریعت نیز بر آن صحنه نهاده است؛ بنابراین ساختمان‌سازی‌های غیر عرفی و ساخت آسمان‌خراش‌های گول‌پیکر و برج‌های غیرمتعارف در کلان-شهرها، مطابق این قاعده قابلیت توجیه نداشته و بسیار محتمل است عرف چنین امری را نپذیرد.

ابعاد و گستره اختیار صاحب ملک وفق این قاعده بی حد و حصر نیست. بی هیچ تردیدی شریعت در ناحیه تصرف آدمیان بر اموال خویش تضيیقاتی را در نظر گرفته و لحاظ نموده است؛ لذا اندیشوران امامی بر آن هستند که اگر از جانب اعمال مالکیت فرد، ضرر و زیانی بر دیگر اشخاص وارد آید، به نحوی که در نگاه عرفی ضرر و زیان به مالک منتسب گردد، وی ضامن خواهد بود؛ بنابراین فقهی یافت نمی‌شود که به اعمال مالکیت مالک بی هیچ قیدی معتقد باشد؛ جز در مواردی که مزاحمت و فوت مال

از لوازم گریزناپذیر تصرف مالک قلمداد شود: «عموم الناس مسلطون علی أموالهم محکوم علیه بقاعده نفی الضرر» (ر.ک: انصاری، ۱۴۱۴، ۱۳۰؛ بجنوردی، ۱۴۱۹، ۱، ۲۴۲؛ خوانساری، ۱۳۷۳، ۲۲۵؛ صدر، ۱۴۲۰، ۳۴۷).

در تفصیل مطلب و مناسب با بحث جستار حاضر باید گفت در هنگام تصرف افراد در اموال خویش، گاهی هیچ برخوردی بین دو قاعده (قاعده تسلیط) و (قاعده لاضرر که مطابق آن عمل اشخاص نباید منجر به ورود ضرر و زیان ناروا به اشخاص شود) به وجود نمی‌آید؛ مانند اینکه فردی در زمین وسیع خود بنای بلندی ساخته و یا چاه ژرفی ایجاد نماید و یا نوع خاصی از پرندگان و حیوانات را نگهداری کند؛ هرچند چنین تصرفاتی از حد معمول فراتر رفته و در آن کشور و دیار متعارف نباشد؛ لکن از جهت گستردگی زمین بر فردی آسیب و ضرری وارد نگردیده و مجاوران از آن عمل دچار زیان و خسارت نمی‌شوند. این قبیل موارد مجرای حاکمیت قاعده تسلط بوده و قاعده لاضرر در اینجا حاکم نخواهد بود چون فرض آن است که ضرری متوجه دیگران نخواهد شد.

اما در پاره‌ای موارد، تصرفات اشخاص منجر ورود ضرر و زیان به مجاوران خواهد بود. در اینجا برخورد و اصطکاک بین قاعده تسلط و قاعده نفی ضرر ایجاد می‌شود که البته در این صورت نیز دو حالت قابل فرض است:

۱- صورتی که تصرفات مالک از حد معمول بیشتر باشد؛ به عنوان مثال ممکن است در شهری متعارف نباشد که بناهای بلند با تعداد طبقات زیاد ساخته شود؛ اما در عین حال فردی در ملک خود چنین عملی انجام دهد و عمل وی افزون بر ایجاد ناامنی از حیث اشراف به خانه‌های مجاور، همسایگان را از برخی مواهب طبیعی مانند نور و جریان هوا نیز محروم نماید؛ در چنین فرضی قاعده جاری قطعاً لاضرر بوده و قاعده تسلیط محکوم آن قلمداد خواهد شد؛ لذا فرد مالک مجوزی برای ساخت چنین ساختمانی نخواهد داشت و در صورت تخلف قابل پیگیری قانونی خواهد بود. لذا تصرفات غیرمعمول صرفاً در حالتی مشروع و روا خواهد بود که منجر به ورود ضرر به کسی نگردد.

۲- حالت دوم این است که تصرفات مالک معمول باشد؛ لکن علیرغم معمول بودن، منجر ورود ضرر به مجاوران شود، که در این صورت چنین تصرفاتی مشروط به دو شرط مجاز است:

۱- تصرفات شخص در ملک خود به جهت رفع نیاز باشد و قصد ورود ضرر به همسایه نیز وجود نداشته باشد. مقصود از رفع نیاز و وجود حاجت این است که وضعیت زمین و مسکن مالک اقتضای آن عمل را

داشته و گریزی از آن نباشد؛ مثل اینکه خانه محتاج به چاه دستشویی بوده و یا نیاز فرد، او را مجبور به عملی نماید که موجب آزار مجاوران گردد؛ مانند آنکه منزل خود را محل دباغی نماید و اموری از این قبیل.

۲- اعمال مالکیت و تصرف شخث در جهت جلوگیری از ورود ضرر باشد. مقصود ضرری می باشد که متوجه ملک گردیده و ارتفاع آن به انجام اموری در ملک نیازمند باشد؛ از باب نمونه اگر مزرعه ای مورد هجوم گلّه احشام که به دیگری تعلق دارد قرار گرفته باشد، مالک زمین این اجازه را خواهد داشت که در جهت جلوگیری از زیان بیشتر آنها را از زمین خود خارج کند و محتمل است آنها به زمینهای مجاور رفته و موجب خسارت گردند؛ در این فرض فردی که احشام را از زمین خود رانده است مسئول جبران خسارت زمینهای مجاور نخواهد بود؛ لذا باید گفت در چنین فرضی قاعده تسلیط به مالک زمین این اجازه و مجوز را خواهد داد که در ملک خویش تصرف کند، اگرچه موجب ضرر مجاوران شود. البته بایسته است ضررها عرفاً با یکدیگر سنجیده شوند؛ اگر یکسان بوده و یا ضرری که به مالک وارد می شود بیش از ضرر وارده به مجاوران باشد، می تواند اعمال مالکیت کرده و در ملک خود تصرف نماید، لکن اگر ضرر وی عرفاً ناچیز قلمداد گردد و تصرف وی منجر ورود خسارت عظیم به مجاورینش شود، در چنین حالتی قطعاً امکان تصرف برای وی وجود نداشته و مورد بحث محل جریان قاعده لا ضرر و انتفای قاعده تسلیط خواهد بود (ر.ک: امامی، ۱۴۱۸، ۱، ۱۹۸).

در تبیین زیبایی شناسی قاعده مزبور باید گفت با مرور آنچه در باب این قاعده گفته شد، می توان به این نتیجه رسید که در حوزه عمران و شهرسازی اسلامی کاربرد و گستره این قاعده تا جایی است که مطابق با اعتبار عرفی و ضوابط متعارف باشد و حدود اختیارات مالک زیبایی به غیر وارد نسازد. اما مواردی همچون ساخت و سازهای خارج از عرف و یا عمودی سازی، هم به لحاظ زیبایی کالبدی و منظر عینی و هم به لحاظ ذهنی محل آرامش و آسایش ساکنان و همسایگان است چرا که به لحاظ عینی موجب آشفتنگی و مزاحمت بصری منظر و دید ناظر می شود و حتی محرومیت از نور و هوا را دربر دارد و به لحاظ ذهنی و روانی نیز سلب امنیت و محرمیت ساکنان را به دلیل اشراف بر حریم آنها موجب می شود. بنابراین تقریر زیبایی شناسانه قاعده فوق را می توان اینگونه بیان داشت که توجه به منظر عینی و منظر ذهنی شهر و همچنین زیبایی شناسی کالبدی و روانشناسانه منظر در این قاعده قابل شناسایی است. افزون بر این باید توجه داشت که در امر ساخت و ساز از مرحله برنامه ریزی گرفته تا طراحی و

سپس مدیریت و اجرای آن، باید اهتمام کارشناس و حتی معمار و شهر ساز و اجرا کنندگان طرح در مرحله عمل معطوف به رعایت قواعد و حقوق یاد شده باشد، که این مساله نیز به نوبه خود با رهیافت زیبایی شناسی کارشناس محور همسو و متناظر است.

۵-۲- قاعده اتلاف

قاعده «اتلاف» یکی از قواعدی است که نه تنها در شرع برای اثبات ضمان و جبران خسارت به آن استناد شده، بلکه عقلای عالم و اهل عرف نیز به آن استناد می‌کنند؛ یعنی علاوه بر آن که یک قاعده شرعی است یک قاعده عقلی نیز هست، و مضمون آن این است که: کسی که مال دیگری را تلف کرده است (اعم از عین یا منفعت و اعم از این که عالماً عامداً تلف کرده باشد یا در صورت جهل و غفلت) ضامن است و باید اگر مثلی است مثل آن و اگر قیمی است قیمت آن را بپردازد. این قاعده در جمیع ابواب فقه جریان دارد و فقهای عامه و خاصه، بلکه همه عقلای عالم به آن در موارد اتلاف تمسک می‌کنند (طاهری، ۱۴۱۸، ۲، ۲۴۳).

اتلاف دو صورت دارد: ۱- اتلاف حقیقی که در آن فردی مال متعلق به فرد دیگری را به طور کلی نابود و تباه می‌سازد؛ به عنوان مثال لباس یا فرش وی را در آتش انداخته یا منزل مسکونی وی را تخریب نماید؛ ۲. اتلاف حکمی که مطابق آن اصل مال نابود نمی‌شود؛ بلکه ارزش مالی آن تباه می‌گردد؛ از باب نمونه شخصی را تصور نمائید که وسایل و ابزار سرمزایی که به دیگری تعلق را دارد را در موسم گرما در جایی پنهان نماید و در فصل سرما آن را در اختیار صاحبش قرار دهد. در این مثال هرچند چنین فردی عین مال را تباه نکرده است، لکن ارزش مالی آن را تباه کرده و عمل وی منجر به اتلاف حکمی گشته است (محقق داماد، ۱۳۸۲، ۱۱۴).

لفظ مال شامل منفعت و اموری می‌شود که نوع بشر بدان محتاج می‌باشد و از امکان بهره‌برداری برخوردار است؛ لذا می‌شود بر آن بود که قاعده اتلاف، صرفاً خسارات مالی را در بر نمی‌گیرد؛ بلکه همچنین ضرورت‌گریز ناپذیر تدارک و جبران سایر خسارات، که مصداق اظهار آن می‌تواند خسارات معنوی باشد نیز قابل استخراج و استنباط خواهد بود؛ زیرا مطابق آنچه گذشت، مضمون قاعده بیانگر این امر است که هر فردی موجب زیان فرد دیگر در مال او، منفعت، نفس، عرض و آبرو یا هر حق دیگری گردد، ضامن بوده و اختصاصی به اتلاف مال فیزیکی نخواهد داشت.

در باب کاربرد قاعده اتلاف در فرض جستار حاضر که مباحث مربوط به شهرسازی و قواعد و بایسته‌های مربوط به آن است نیز باید گفت اگر بنا کردن عمارت و آپارتمانی به واقع منجر به ورود ضرر و زیان همسایگان و مجاوران اعم از اتلاف مادی و معنوی شود؛ فی‌المثل در مجاورت ساختمان باغی باشد که احداث ساختمان از رسیدن نور به آن جلوگیری کند و در نتیجه محصول آن باغ نامرغوب شده یا از اساس محصولی ایجاد نشود؛ یا اینکه باعث ایجاد آلودگی‌های صوتی و به نوعی ایجاد مزاحمت روانی نموده و آسایش را از مجاوران سلب نماید، در این صورت باید مطابق قاعده اتلاف، خسارات وارده به همسایگان تدارک شده و جبران گردد.

باید گفت کارایی این قاعده نیز همچون قاعده پیشین (تسلیط) در قیاس با پارادایم‌های زیبایی‌شناسی شهری، هم به زیبایی عینی منظر (رویکرد کالبدی) و هم به منظر ذهنی (رویکرد روان‌شناسانه) معطوف است و نیز ضرورت حضور کارشناس و لحاظ نمودن موارد عملی ذکر شده را ایجاب می‌کند.

۳-۵- قاعده تسبیب

شمار قابل توجهی از دانشیان امامی قاعده تسبیب را زیرمجموعه و انشعابی از قاعده اتلاف دانسته‌اند؛ و اتلاف را به اتلاف مباشره‌ای (مستقیم) و اتلاف تسبیبی (غیرمستقیم) تقسیم کرده‌اند. در توضیح بیشتر باید گفت تسبیب در مقابل مباشرت (انجام بلاواسطه عملی) به کار می‌رود. در تسبیب برخلاف آنچه در مباشرت جریان دارد، اتلاف غیرمستقیم و با تهیه مقدمات انجام می‌شود؛ مثل حفر چاه در راه، روشن نمودن آتش و تسری دادن آن به زمینهای مجاور، یا گواهی کذب علیه کسی دادن و گشودن قفس حیوانات- که منجر به اتلاف مال یا جان شخصی یا ورود خسارت شود (شاهرودی، ۱۴۲۶، ۲، ۴۶۶؛ گوهری، ۱۳۹۰، ۱۳۲). مثال‌های متعددی را نیز می‌توان برای اتلاف به مباشرت احصا نمود از قبیل اینکه حیوانی را رأساً ذبح نماید یا تیری بدان شلیک کند یا ظرفی بشکند یا چیزی را در آتش اندازد و اموری از این قبیل (خمینی، ۱۴۲۵، ۳، ۳۳۵).

اما برخی از اندیشوران با بیان به روایت اسماعیل بن ابی‌زیاد سکونی از امام جعفر صادق (ع) از پیامبر گرامی اسلام (ص) که فرمودند: «مَنْ أَخْرَجَ مِيزَابًا أَوْ كَيْفَاً أَوْ أَوْتَدَ وَتَدًا أَوْ أَوْتَقَ دَابَّةً أَوْ حَفَرَ بئرًا فِي طَرِيقِ الْمُسْلِمِينَ فَأَصَابَ شَيْئًا فَعَطِبَ فَهُوَ لَهُ ضَامِنٌ» (کلینی، ۱۴۰۷، ۷، ۳۵۰؛ صدوق، ۱۴۱۳، ۴، ۱۵۴؛ طوسی، ۱۴۰۷، ۱۰، ۲۳۰). هر شخصی که چیزی مانند ناودان یا گودال در محل عبور و مرور مردمان ایجاد نماید؛ یا منخ و افسار حیوانی را که بر آن سوار می‌شود را در راه مسلمانان قرار دهد؛ یا چاهی در محل

عبور مسلمین حفر کند و سپس فردی به آنها برخورد کند و به زمین افتاده و آسیب بیند، ضامن خواهد بود، این چنین دیدگاه خود را بین نموده‌اند: «باید انصاف داد که از خبر مزبور یک قاعده و اصل کلی فهمیده می‌شود. با این توضیح که هرگاه عملی از فرد عاقل و بالغ و مختار صادر گردد و آن عمل عادتاً و عرفاً موجب ایجاد تلف مالی یا جانی شود و بین عمل آن شخص و وقوع تلف، عمل شخص دیگری فاصله ایجاد نکند، در این فرض، عامل چنین امری ضامن خواهد بود. بنابراین در تسبیب فعل فرد به نحو مستقیم مال متعلق به دیگری را نابود نمی‌کند، بلکه رابطه بین فعل شخص و تلف شدن مال بدین نحو است که اگر آن فعل رخ ندهد، اتلاف مال نیز اتفاق نخواهد افتاد (محقق داماد، ۱۴۰۶، ۱، ۱۱۷).

در تبیین زیبایی شناسی بحث مزبور باید گفت تراکم غیرمجاز یا فروش آن، عدم تعبیه مکان مخصوص برای پارکینگ، بیرون زدگی الحاقات ساختمانی و فقدان نظارت بر ساخت و ساز، و حتی عدم توجه به منظر بصری شهر و نادیده گرفتن اصول زیبایی و یا فراهم ساختن امکانات لازم برای بهبود کیفیت آن از جمله مواردی است که در زمره مصادیق قاعده تسبیب قرار می‌گیرد که همگی موجبات تضعیف منظر عینی و ذهنی شهر را فراهم می‌آورد. بنابراین در ارزیابی زیبایی شناسانه از این قاعده، نقش پارادایم زیبایی کالبدی و منظر عینی را می‌توان به وضوح شناسایی کرد.

۴-۵- قاعده لاضرر

قاعده لاضرر، در زمره قواعد فقهی بسیار نامدار و برجسته است که در غالب باب‌های فقهی مورد استناد قرار می‌گیرد (حسینی، ۱۳۹۴، ۳۴). معنای «لاضرر و لا ضرار فی الاسلام» که روایتی نبوی بوده و در قضیه‌ای خاص وارد شده است که ذکر آن از رسالت این جستار خارج است (ر.ک: بروجردی، ۱۴۱۲، ۲، ۳۳۲؛ احمری، ۱۳۹۲، ۱۷) این است که در حقوق و به طور عام در شریعت مقدس اسلام، حکم ضرری جعل نشده و هر حکمی که اصل وجود آن حکم یا توسعه و استمرار آن حکم مستلزم ورود ضرر باشد در اسلام نفی شده و برداشته شده است. به عبارت دیگر این یک حکم عام جهانشمول است که در آموزه‌های شریعت مقرر گردیده است که احکام وضع شده در اسلام نباید به ضرر منجر شود؛ حتی می‌توان چنین بیان کرد که اگر مسلمانان مشاهده کنند که دو طایفه غیرمسلم در حال ضرر رساندن به یکدیگر هستند می‌بایست از این امر جلوگیری کنند (جعفری تبریزی، ۱۴۱۹، ۸۷).

شهید مطهری معتقد است اسلام قاعده‌ای به نام «لاضرر» بنا نهاده است. قاعده مزبور بر جملگی قواعدی که شرع انور در گستره فقه وضع نموده حکومت دارد. در جایی خداوند فرموده است: «إِذَا قُتِمُّ

إِلَى الصَّلَاةِ فَاعْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَ أَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ» هنگامی که برای اقامه نماز به پا خاستید، وضو بگیرید. این قانونی کلی در مقوله عبادت است. لکن در موضعی دیگر می‌فرماید: «ماَجَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ»؛ در جای دیگر مقرر می‌دارد: «لَا ضَرَرَ وَ لَا ضِرَارَ فِي الْإِسْلَامِ»؛ در آموزه‌های اسلام ضرر و زیان وجود ندارد. یعنی اگرچه خداوند فرموده است که وضو بگیرید؛ لکن اگر وضو برای فرد مضر باشد مفاد «لاضرر» می‌گوید: در اینجا وضو از تو ساقط می‌گردد، یعنی قاعده لاضرر در چنین جاهایی قانون وضو را محدود می‌نماید. قاعده «لاضرر» که بر گستره فقه حکومت دارد، کاربرد اصلی آن کنترل و تحدید دیگر قوانین است. در واقع شریعت برای قاعده لاضرر نسبت به سایر احکام حق «تو» قائل گشته است (مطهری، ۱۳۷۶، ۱۹، ۱۲۲).

مطابق آنچه بیان شد می‌توان گفت براساس قاعده لاضرر، بایسته است اعمال مالکیت شخص در ملک خود به نحوی باشد که منجر ورود ضرر و زیان به دیگران نشود. چه اینکه بیان گردید که از جنبه حقوقی اگر تصرفات فرد در ملک خویش از حدود و ثغور متعارف بیشتر گردد؛ به عنوان مثال اگر در شهری معمول نباشد که بنای چندطبقه ساخته شود، در عین حال مالک در ملک خویش مبادرت به بنای چنین ساختمانی نماید، و در نتیجه افزون بر محاط بودن و اشراف وی بر منازل مجاور، همسایگان را از نور خورشید و باد و گردش هوا محروم نماید، چنین فرضی بلاشک مجرای قاعده لاضرر بوده و دستگاه قضایی مؤظف خواهد بود در صورت وجود شکایت، مالک را ملزم به جبران خسارت نماید.

همچنین نباید از نظر دور داشت که اگرچه گسترش عمودی شهرها و ساختن برج‌ها و آسمان‌خراش‌های رفیع در دهه‌های اخیر به جهت برخی مزایا در دستور کار قرار گرفته است؛ لکن در فرض ضعف در تعیین راهبردهای کارشناسی شده، این امکان و احتمال به طور جدی وجود دارد که تبعات منفی کثیری بر کیفیت زیست و فضای شهرها بر جای گذارد. لذا می‌توان چنین اظهار نمود که اگرچه گسترش عمودی شهرها می‌تواند پاسخگوی بسیاری از معضلات شهری از قبیل کمبود زمین و ... باشد؛ لکن این نکته را نیز باید مورد توجه قرار داد که این امر نباید کیفیت زندگی را تحت تأثیر قرار داده و منجر به شکل‌گیری منظر شهری ناامن شده و مسائلی از قبیل آلودگی‌های فزاینده زیست‌محیطی و ترافیک ایجاد کند که در صورت وقوع چنین امری می‌تواند مصداق بارزی از نادیده انگاشتن قاعده لاضرر تلقی گردد (شماعی و جهانی، ۱۳۹۰، ۷۴).

در تبیین زیبایی‌شناسانه قاعده فوق باید گفت با توجه به اهمیت و اولویت جایگاه این قاعده در بین دیگر قواعد فقهی معطوف به شهرسازی و معماری اسلامی و هماهنگی آن با مواد قانون مدنی ایران (ماده ۱۳۰، ۱۳۲ و ۱۳۳ ق.م) می‌توان به این نتیجه رسید که توجه و رعایت قاعده لاضرر هم متضمن حفظ حریم بصری و حقوق همسایگان می‌شود که آرامش ذهنی و روانی شهروندان را سبب خواهد شد و هم از مزاحمت‌های بصری و نابسامانی در کالبد عینی منظر جلوگیری خواهد کرد. در این قاعده نیز توجه به نقش کارشناس در طراحی و برنامه‌ریزی و سپس نظارت و مدیریت صحیح با توجه به مفاد قاعده فوق حایز اهمیت است.

۶- نتیجه‌گیری

با توجه به مساله اصلی پژوهش که در جستجوی کشف و بازشناسی میزان توجه، دغدغه‌مندی و کارایی مباحث و قوانین اسلامی در قبال مسائل و چالش‌های پیش‌روی جوامع امروزی است، می‌توان به این نتیجه رسید که در تعالیم اسلامی و مشخصاً در گستره قواعد فقهی و اصول و کلیات آن، دغدغه توجه به محیط زیست، مواجهه انسان با فضای شهری، طراحی اصولی شهر و ساختار متناسب با آن و نیز حفظ آسایش روانی و حقوق شهروندان مورد توجه و عنایت فقیهان قرار گرفته است. ماهیت آرای موجود نسبت به موضوعاتی که در مبحث فقه شهری بدان اشاره شد، نشان می‌دهد که موضوع احداث فضای سبز و درختکاری شهری و اهتمام در حفظ و نگهداری آن به وضوح در کانون توجه فقها و مستندات فقهی وارد شده است. همچنین بیشترین توجه فقها در جریان استخراج قواعد، به نحوه مدیریت، رعایت و اجرای اصول و موازین صحیح عمرانی و فقهی معطوف است که با مشارکت و آگاهی مسئولان ذی‌ربط می‌تواند جامه عمل به تن نماید. این امر را می‌توان به غلبه رویکرد کارشناس محور در مبحث زیبایی‌شناسی شهری و دو " الگوی طراحی شهری عملکردگرا و طراحی شهری ادراکی " در بین رویکردهای طراحی شهری مطابقت داد. البته لازم به ذکر است که در موضوع احداث فضای سبز به نظر می‌رسد که بین نقش مردم و کارشناسان تعادل برقرار شده است. افزون بر این، در بحث توجه به وجوه عینی (کالبدی) منظر شهری و ذهنی (روان شناسانه) مخاطب منظر که در بخش اول مقاله بدان تصریح شد، نسبت به وجوه عینی منظر و رعایت اصول آن در نص قواعد فقهی بذل توجه بیشتری صورت گرفته است. با این حال، بحث حفظ حریم و امنیت اخلاقی و روانی ساکنان و شهروندان از جمله امتیازات فقه شهری است که باید بدان اذعان نمود. به هر روی، چنانچه فضای شهر و منظر شهری را

به مثابه پدیدار یا رویدادی در نظر بگیریم که همواره در جریان داد و ستد و تعامل بین کیفیت‌های کالبدی و عینی شهر از یک سو و مؤلفه‌های ذهنی و الگوهای روانی ناظرین از سوی دیگر است (همچنان که در بخش اول این نوشتار اشاره شد)، باید اذعان داشت که با بهره‌گیری از ظرفیت‌های غنی فقهی و اهتمام به راهکار گابستر و نظریه پردازان دیگر مبنی بر آموزش افراد و ارتقای دانش آنها و نهایتاً برجسته نمودن نقش آنها در مدیریت محیط پیرامون و اجرای ارزش‌های همسو با محیط و اکوسیستم سالم می‌توان این راهکار را عملی نمود.

فهرست منابع

- ۱) احسائی، ابن ابی جمهور (۱۴۰۵). عوالی اللئالی العزیزیه. قم: دار سید الشهداء للنشر.
- ۲) احمری، حسین (۱۳۹۲). مطالعه تطبیقی خسارت عدم النفع در فقه امامیه و قوانین ایران و کنوانسیون ۱۹۸۰ وین. پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، شماره ۳۲.
- ۳) اراکی، محسن (۱۳۹۷). سلسله جلسات درس خارج "فقه شهری". منتشر شده در سایت شبکه وسائل به نشانی: <http://Vasael.ir>
- ۴) اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳). مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ۵) اشکوری، سید علی (۱۳۸۴). نقش دو عنصر زمان و مکان در اجتهاد. پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، شماره ۲.
- ۶) بجنوردی، سید حسن بن آقا بزرگ موسوی (۱۴۱۹). القواعد الفقهیه. قم: نشر الهادی.
- ۷) بروجردی، آقا حسین طباطبایی (۱۴۱۲). قاعدة لا ضرر و الاجتهاد و التقليد (الحاشیه علی الکفایة). قم: مؤسسه انصاریان.
- ۸) پورتوس، جی. داگلاس (۱۳۸۹). زیبایی شناسی محیط زیست: نظریه‌ها، سیاست‌ها و برنامه‌ریزی. ت، محمدرضا مثنوی، مشهد: جهاد دانشگاهی مشهد.
- ۹) تبریزی، جعفری، محمد تقی (۱۴۱۹). رسائل فقهی. تهران: مؤسسه منشورات کرامت.
- ۱۰) تبریزی، جعفری، محمد تقی (۱۴۱۸). منابع فقه. تهران: مؤسسه نشر کرامت.
- ۱۱) حبیبی، امین (۱۳۹۶). رویکردهای نوین در پژوهش زیبایی شناسی منظر. باغ نظر، ۱، ۴۹، ۷۲-۶۵.
- ۱۲) حسینی فاطمه سادات و دیگران (۱۳۹۴). بررسی فقهی و حقوقی جبران ضرر معنوی در قذف. پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، شماره ۴۱.
- ۱۳) خمینی، سید روح الله (۱۴۲۵). تحریر الوسیله. ت، اسلامی، علی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

- ۱۴ خوانساری، موسی بن محمد نجفی (۱۳۷۳). رساله فی قاعده نفی الضرر. تهران: المكتبة المحمدية.
- ۱۵ دزفولی، مرتضی بن محمد امین انصاری (۱۴۱۴). رسائل فقهیه (للشیخ الأنصاری). قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- ۱۶ سبزواری، محمد باقر بن محمد مؤمن (۱۴۲۳). کفایة الأحکام. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ۱۷ شاهرودی، محمد ابراهیم جناتی (۱۳۷۴). ادوار فقه و کیفیت بیان آن. تهران: موسسه کیهان
- ۱۸ شمعی علی، جهانی رحمان (۱۳۹۰). بررسی اثرات توسعه عمودی شهر بر هویت محله ای (مطالعه موردی، منطقه ۷ تهران). مطالعات شهر ایرانی اسلامی، دوره ۲، شماره ۶ ص ۸۲-۷۳.
- ۱۹ شیرازی، ناصر مکارم (۱۴۲۷). استفتائات جدید. قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- ۲۰ شیرازی، ناصر مکارم (۱۴۲۷). دائرة المعارف فقه مقارن. قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- ۲۱ صدر، شهید، سید محمد باقر (۱۴۲۰). قاعده لاضرر و لاضرار. قم: دارالصادقین للطباعة و النشر.
- ۲۲ طاهری، حبیب الله (۱۴۱۸). حقوق مدنی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ۲۳ طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن (۱۴۰۷). الخلاف. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ۲۴ طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن (۱۴۰۷). تهذیب الأحکام. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- ۲۵ قمی، صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳). من لایحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ۲۶ کاشانی، فیض، محمد محسن ابن شاه مرتضی (۱۴۱۸). مفاتیح الشرائع. قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی ره.
- ۲۷ کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- ۲۸ کریمی مشاور، مهرداد (۱۳۹۲). رویکردها و روش‌ها در زیبایی‌شناسی شهری. باغ نظر، دوره ۱۰، شماره ۲۴، ص ۵۶-۴۷.
- ۲۹ کریمیان، حسن (۱۳۸۹). نمادهای فرهنگی در مناظر شهری: بیان معنا، حس هویت، آرامش روحی. پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۴، ص ۱۳۲-۱۱۹.
- ۳۰ گابستر، پل. اچ. جوان آی، ناساتور، دنیل و گری فرای (۱۳۸۹). منظر اشتراکی؛ نسبت زیبایی‌شناسی با اکولوژی. ت. پدیده عادلوند و رضا قشقایی. مجله منظر، شماره ۱۳، ص ۴۱-۳۶.
- ۳۱ گلکار، کورش (۱۳۷۹). مؤلفه‌های سازنده کیفیت شهری صفه. شماره ۳۲، ص ۶۵-۳۸.
- ۳۲ گلکار، کورش (۱۳۸۷). محیط بصری شهر؛ سیر تحول از رویکرد تزینی تا رویکرد پایدار. علوم محیطی، شماره ۴، ص ۱۱۴-۹۵.
- ۳۳ گلکار، کورش (۱۳۸۹). از تولد تا بلوغ شهری. صفه، شماره ۳۶، ص ۲۳-۹.

- ۳۴) گوهری، عباس (۱۳۹۰). مسؤلیت مطلق تخریب محیط زیست از دیدگاه فقهی. پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، شماره ۲۴.
- ۳۵) گیدنز، آنتونی؛ با همکاری کارن بردسال (۱۳۸۶). جامعه شناسی. ت، حسن چاوشیان. تهران: نشر نی.
- ۳۶) مبلغی، احمد (۱۳۹۶). کرسی نقد "قواعد فقهی شهرسازی اسلامی". منتشر شده در سایت شبکه وسائل به نشانی: <http://Vasael.ir>
- ۳۷) مصطفوی، سید محمد کاظم (۱۴۲۱). مائۀ قاعدۀ فقهیۀ. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ۳۸) مطهری، شهید مرتضی (۱۳۷۶). فقه و حقوق (مجموعه آثار). قم: صدرا.
- ۳۹) مومنی، عابدین و دیگران (۱۳۹۶). قاعده جاودانگی احکام و تحول زمان. پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، شماره ۴۸.
- ۴۰) نجف‌آبادی، حسین علی منتظری (۱۴۰۹). مبانی فقهی حکومت اسلامی. قم: مؤسسه کیهان.
- ۴۱) نجیب اوغلو، گل‌رو (۱۳۷۹). هندسه و تزئین در معماری اسلامی. ت، مهرداد قیومی بیدهندی. تهران: روزنه.
- ۴۲) هاشمی شاهرودی، سید محمود و دیگران (۱۴۲۶). فرهنگ فقه مطابق. قم: مؤسسه دائرۀ المعارف فقه اسلامی.
- ۴۳) هُلْد، راتا (۱۳۷۸). در جستجوی تعریف هنر معماری در دوره اسلامی. ترجمه فرزین فردانش، فصلنامه رواق، شماره ۴، ص ۲۵-۳۴.
- ۴۴) یزدی، مصطفی محقق داماد (۱۴۰۶). قواعد فقه. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.

References

- ۱- Ahmari, Hossein, ۲۰۱۲. Comparative study of non-profit damages in Imamiyyah jurisprudence and Iranian laws and the ۱۹۸۰ Vienna Convention, *Journal of Islamic law and jurisprudence researches*. No ۳۲.
- ۲- Araki, Mohsen. (2018). *The series of "Urban Jurisprudence" lessons*, published on the *Veasel Network* website at <http://Vasael.ir>
- ۳- Ardebili, A. (1983). *Majmae alfayidat w alburhan fi sharah 'iirshad al'adhhan*. Qom: Islamic spreadsheet, which has been accredited by a university of teachers, held by Qom.
- ۴- Bojnurdi, H. (1999). *Alqawaeid alfaqhiati*. Qom: Publication of the Alhadi.
- ۵- Borujerdi, A. (1992). *Qaeidat la darar w alaijtihad w altaqlid (alhashiat ealaa alkifay)*. Qom: Ansarian Foundation.

- ۶- Dezfuli, M. (1994). *Rasayil Feqhy* (of Sheikh Ansari). Qom: World Congress in honor of Sheikh Azam Ansari.
- ۷- Eshkevari, A. (2014). The role of two elements of time and place in ijtehad, *Journal of Islamic law and jurisprudence researches*
- ۸- Gabster, P. Joan I. Nassauer, Terry, C. and Gary, F. (2007). The Shared landscape: what does aesthetic have to do with ecology?. Translated by : Adelvand, Padideh, Qashqaei, Reza. *Manzar Journal*. (13). ۳۶-۴۱.
- ۹- Giddens, Anthony. (2007). *Sociology*. Translated by: Chavoushian, Hassan. Ney Publishing.
- ۱۰- Gohari, A. (2019). Absolute responsibility for environmental destruction from a jurisprudential point of view, *Journal of Islamic law and jurisprudence researches*. (24).
- ۱۱- Golkar, K. (2008). Conceptual Evolution of Urban Visual Environment; From Cosmetic Approach Through to Sustainable Approach. *Environmental Sciences*. ۵(4)., ۹۵-۱۱۴.
- ۱۲- Golkar, K. (200.). The Components of Urban Design Quality. *Journal of Soffeh*. ۳۲, ۳۸-۵۶.
- ۱۳- Golkar, K. (2003). Urban Design from Birth through to Maturity. *Journal of Soffeh*. ۳۶, ۸-۲۳.
- ۱۴- Habibi, A. (2017). New approaches to the landscape Aesthetics research. *Bagh- e Nazar Journal*, ۱۴ (۴۹), ۶۵-۷۲.
- ۱۵- Hashemi Shahroudi, M. (2006). *The culture of jurisprudence according to the religion of the Ahl al-Bayt (as)*. Qom: Islamic Jurisprudence Encyclopedia Institute.
- ۱۶- Holod, Renata. (۱۹۹۹). In Search of the Definition of Architectural Art in the Islamic Period, translated by Farzin Fardanesh, *Rawaq Quarterly*, ۴, ۲۵-۳۴.
- ۱۷- Hosseini, F and others, (۲۰۱۴). Jurisprudential and legal review of compensation for spiritual loss in Qazf, *Journal of Islamic law and jurisprudence researches*.
- ۱۸- Ihsai, M. (۱۹۸۵). *Ewaly alliyalii aleazizi*. Qom: dar syodialshuhada' lilnashr.

- ۱۹- Karimi Moshaver, M. (۲۰۱۳). Approaches and Methods in Urban Aesthetics. *Bagh- e Nazar Journal*. ۱۰(۲۴), ۵۶-۴۷.
- ۲۰- Karimian, H. (۲۰۱۰). Cultural symbols in urban landscapes: expression of meaning, sense of identity, peace of mind. *Human Geographical Research*. (۷۴), ۱۱۹-۱۳۲.
- ۲۱- Kashani, F. (۱۹۹۸). *Al-Mafiyat al-Shar'ee*. Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library Publications.
- ۲۲- Khansari, M. (۱۹۵۴). *Risalat fi qaeidat nafy aldarar*. Tehran: The Muhammadiyah Library.
- ۲۳- Khomeini, R. (۲۰۰۵). *Tahrir alwasilh*. Qom: Islamic Publication.
- ۲۴- Kolini, M. (۱۹۸۷). *Al-Kafi*. Tehran: Islamic Library.
- ۲۵- Moballeqi, A. (۲۰۱۷). *Critical Chair of "Jurisprudential Rules of Islamic Urbanism"*. published on the website of Wasael Network at: <http://Vasael.ir>.
- ۲۶- Momeni, A. (۲۰۱۶). The rule of immortality of rulings and the evolution of time, *Journal of Islamic law and jurisprudence researches*, (۴۸).
- ۲۷- Mostafawy, M. (۲۰۰۱). *Miyat Qaeidat Fiqahiata*, Qom: Islamic Publication.
- ۲۸- Mutahari, M. (۱۹۹۷). *Jurisprudence and Rights (Collection of Antiquities)*. Qom: Sadra.
- ۲۹- Najafabadi, H. (۱۹۸۹). *Islamic jurisprudence government buildings*. Kayhan Foundation.
- ۳۰- Najib Oglu, G. (۲۰۰۰). *Geometry and Decoration in Islamic Architecture*. T: Mehrdad Qayyumi Bidehndi. Tehran: Rozaneh.
- ۳۱- Porteos, J ; Douglas. (۲۰۱۰). *Environmental Aesthetics: Theories, Policies and Planning*, T: Mohammad Reza Masnavi. Mashhad: Mashhad University Jihad.
- ۳۲- Qomi, Saduq, M. (۱۹۹۳). *Min la yahduruh alfaqih*. Qom: Islamic Publication.
- ۳۳- Sabzwari, M. (۲۰۰۳). *Kifayat al'ahkam*. Qom: Islamic Publication.
- ۳۴- Sadr, Shahid, M. (۲۰۰۰). *Qaeidat ladrr w ladrar*. Qom: Dar al-Sadiqin.
- ۳۵- Shahroudi, M. (۱۹۹۵). *The periods of jurisprudence and the quality of its expression*. Tehran: Kayhan Institute.

- ۳۶- Shama'i, A. Jahani, R. (۲۰۱۱). Investigating the Effects of Vertical Development of the City on Neighborhood Identity (Case Study, District ۷ of Tehran). *Studies of the Islamic City of Iran*. ۲ (۶), ۷۳-۸۲.
- ۳۷- Shirazi, N. (۲۰۰۷). *Aistifta'at jaded*. Qom: Imam Ali Ibn Abi Talib School Publications.
- ۳۸- Shirazi, N. (۲۰۰۷). *Contemporary Jurisprudence Encyclopedia*. Qom: Imam Ali Ibn Abi Talib School Publications.
- ۳۹- Taheri, H. (۱۹۹۸). *Civil Law*. Qom: Islamic Publication..
- ۴۰- Tossi, M. (۱۹۸۷). *Alkhalaf*: Qom: Islamic Publication.
- ۴۱- Tossi, M. (۱۹۸۷). *Tahdhib al'ahkam*. Tehran: Islamic Books House.
- ۴۲- Tabrizi, Jafari, M. (۱۹۹۸). *Sources of Jurisprudence*. Tehran: Keramat Publishing Institute.
- ۴۳- Tabrizi, Jafari, M. (۱۹۹۹). *Jurisprudential Treatises*. Tehran: Keramat
- ۴۴- Yazdi, M. (۱۹۸۶). *Jurisprudence Rules*. Tehran: Islamic Sciences Publishing Center.